

کتابی که سیمرغ شد

اثر
جبار جمال غریب
برگردان
رضا کریم مجاور

داستان جهان



موسسه‌ی انتشارات نوبخت

سرشناسه: غریب، جبار جمال، ۱۹۶۱ - م.
عنوان قراردادی: دنیا له کتیبیکدا، فارسی
عنوان و نام پدیدآور: کتابی که سیمرغ شد/ جبار جمال غریب، ترجمه‌ی رضا کریم‌مجاور.
مشخصات نشر: مشهد: بوتیمار، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۱۳۸ ص، ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۴-۲۵۰-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: رمان کردی -- عراق -- قرن ۲۰ م.
Short stories, Kurdish -- Iraq -- 20th century
شناسه افزوده: کریم‌مجاور، رضا، ۱۳۵۷ - مترجم
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ غ۳۶ / ۱۲۴۵ PIR۳۲۵۶
رده بندی دیویی: ۸۱۹/۲۳
شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۴۳۸۶۰

کتابی که سیمرغ شد

نویسنده: جبار جمال غریب
مترجم: رضا کریم‌مجاور
مدیر امور هنری: رضا حیرائی
ناظر کیفی: حسین فاضلی، داریوش معمار
صفحه آرا: امیرحسین ذوالقدر
ناشر: انتشارات بوتیمار
امور چاپ: دقت
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۴-۲۵۰-۵

دفتر انتشارات:

مشهد، صندوق پستی ۱۵۵۳ - ۹۱۳۷۵
تلفن: ۰۵۱۳-۸۴۵۰۶۴۹
تهران، خیابان کارگر شمالی
نرسیده به بلوار کشاورز،
بن بست گیتی، پلاک ۶
تلفن: ۶۶۹۰۰۷۴۸

همراه: ۰۹۱۵۸۵۷۸۳۷۸ - ۰۹۱۶۷۸۳۱۲۶۸

حق چاپ محفوظ است



موسسه انتشارات بوتیمار



btmpub@gmail.com



instagram.com/btmpub

فهرست

- یادداشت نویسنده ۹
- جبار جمال غریب در یک نگاه ۱۱
- (۱) کوچک ترین مرید ۱۳
- (۲) شهری در شراب غرق می شود ۲۷
- (۳) سوشین یا ابلیس زنا ۴۱
- (۴) عصر فتوحات ۴۷
- (۵) شاه در پیش پای زن کولی ۵۹
- (۶) سی و نه اتاق دنیا یا اتاق چهلیم ۷۳
- (۷) مردان مسین یا ۸۱
- (۸) مخفیگاه ابلیس ۹۱
- (۹) شکستن شیشه‌ی چراغ‌ها ۹۹
- (۱۰) ابلیس مخفیگاه ۱۱۷
- (۱۱) کتابی که سیمرغ شد ۱۲۵

یادداشت نویسنده به مناسبت ترجمه‌ی رُمان‌هایش به زبان فارسی

فرهنگ ایرانی با همه‌ی تنوع قومی و ملی‌اش به شکلی ژرف به درون شخصیت و اندیشه و قلم من رسوخ کرده است. از همان اوان کودکی، شخصیت‌های زیبای این فرهنگ، از داستان‌های شاهنامه‌ی فردوسی گرفته تا جمال‌زاده و گلشیری و درویشیان و... تا فروغ فرخزاد و احمد شاملو و... تا روح مجروح و تا مغز استخوان غمگین و انسانی سهراب سپهری و صادق هدایت مرا برای یک لحظه هم ترک نکرده‌اند. اگرچه سعادت دوستی با استاد بزرگ محمود دولت‌آبادی را از نزدیک نداشته‌ام، اما همدمی با کلیدر و قهرمانان جاودانش این کم‌سعادت‌ی را جبران کرده است...

از این روست که با نوشتن هر جمله‌ای، احساس می‌کنم یک خواننده‌ی شرقی و یا دقیق‌تر بگویم ایرانی، بلافاصله پس از من آن را می‌خواند. سرچشمه‌ی تخیل و تفکر من در ایران است... در سقز و سنندج و مهاباد و بانه و بوکان است... در تهران و کرمانشاه و ایلام است. من با امید و دلگرمی آن‌هاست که می‌نویسم. من

خودم را مدیون ایران می‌دانم. وقتی رضا کریم‌مجاور عزیز برای ترجمه‌ی دو رمان سفر پنجم و دنیا در یک کتاب از من اجازه خواست، بسیار خوشحال شدم که این دو رمان در دسترس خوانندگان فارسی‌زبان قرار خواهد گرفت. من فقط می‌خواهم یک نکته را به مخاطبان فارسی‌زبان یادآور شوم و آن اینکه: دروازه‌ی این رمان‌ها کوچک یا بزرگ باشد، تنها و تنها به یک نفر اجازه‌ی ورود می‌دهند... یک نفر که در مدت خواندن رمان، دنیا را رها کرده و برای این رمان‌ها زندگی می‌کند.

جبار جمال غریب

۲۰۱۴/۳/۳

ارزیل